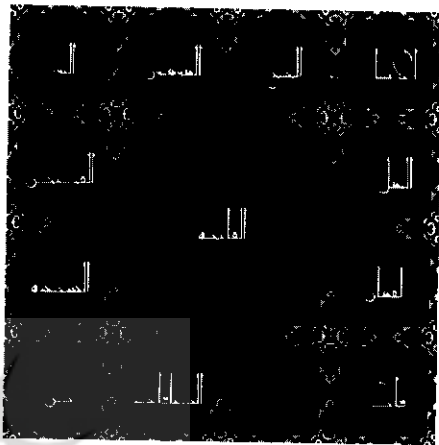


نکته‌ها و یادداشت‌ها

## صحیفة الرضا به روایت شیخ صدوق و ابوعبدالرحمان سلمی

○ محمد کاظم رحمتی



### نسخة كهن صحیفة الرضا

ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (متوفی ۴۵۰ ق) در کتاب رجال خود، به قرائت آثار معرفی رجال امامیه نزد استادانش، اشاراتی دارد. از جمله این متون، صحیفة الرضاست. نجاشی (ص ۱۰۰) در شرح احوال احمد بن عامر بن سلیمان (متولد ۱۵۷ ق) می‌نویسد: «قال عبدالله ابنة - فیما أجازنا الحسن بن احمد بن ابراهیم - : حدثنا ابي قال: حدثنا عبدالله قال: ولد ابي سنة سبع وخمسين و مائة ولقي الرضا عليه السلام سنة أربع و تسعين و مائة و مات الرضا عليه السلام بطوس سنة اثنتين و مائتين يوم الثلاثاء لثمان عشرة خلون من جمادى الاولى و شاهدت ابا الحسن و ابا محمد عليهما السلام و كان ابي مؤذنهما و مات علي بن محمد (ع) سنة أربع و أربعين و مائتين و مات الحسن (ع) سنة ستين و مائتين يوم الجمعة لثلاث عشرة خلت من المحرم و صلى عليه المعتمد ابو عيسى بن المتوكل».

بر اساس آنچه که نجاشی آورده، نسخه‌ای از این کتاب به خط عبدالله بن احمد بن عامر یا پدرش نزد نجاشی بوده آن را به اجازه الحسن بن احمد بن ابراهیم از مؤلف دریافت کرده است. نجاشی در ادامه درباره قرائت این نسخه نزد استاد خود ابن الجنیدی (متوفی ۳۹۶ ق) نوشته است: «رفع ألي هذه النسخ نسخة عبدالله بن احمد بن عامر الطائي، أبو الحسن أحمد بن محمد بن موسى الجنیدی شيخنا رحمه الله، قرأها عليه حدثكم أبو الفضل عبدالله بن احمد بن عامر قال حدثنا أبي قال: حدثنا الرضا علي بن موسى عليه السلام والنسخة حسنة» (رجال النجاشی، ص ۱۰۰، ۲۲۹).

### اشاره:

یکی از مطالب مورد بحث و جدل میان محققان تاریخ تصوف اسلامی، متنی به نام «تفسیر امام صادق علیه السلام» است که لوی ماسینیون و پول نوپا و اخیراً گرهارد باورینگ درباره آن مطالبی نگاشته‌اند. این نوشتار بر آن است تا نشان دهد که حداقل بخشی از آنچه به نام «تفسیر امام صادق علیه السلام» در متون عرفانی - خاصه آثار ابوعبدالرحمان سلمی - مشهور است، تحریری دیگر از اثر شیعی مشهور به نام صحیفة الرضا است. در آغاز این نوشتار از تحریر شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ ق) که در آثار او به تفاریق آمده و سپس از تحریر سلمی و نکات دیگری درباره این کتاب سخن رفته است.

\*\*\*

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (متوفی ۳۸۱ ق)، مشهور به شیخ صدوق، از عالمان امامی پراثر است که در اواخر دوران غیبت صغری (حدود ۳۰۷ ق) در خاندان مشهوری از محدثان قمی متولد و به زودی یکی از محدثان به نام امامیه شد. درباره شیخ صدوق و حیات وی بسیار سخن رفته است و تکرار آن لزومی ندارد. نکته‌ای که در اینجا مورد نظر است، نقش شیخ صدوق در روایت یک متن کهن امامی است. می‌دانیم که شیخ صدوق، اثر ارزشمندی درباره حیات امام رضا علیه السلام به نام عیون اخبار الرضا (ع) نگاشته که در جایی دیگر از اهمیت تاریخی آن سخن گفته‌ام. روشن است که شیخ صدوق در تالیف این اثر علاوه بر بهره‌گیری از متون تاریخی که حاوی مطالبی درباره حیات و زندگی آن امام همام بوده، از متون حدیثی که به نقل مطالب آن حضرت اختصاص داشته نیز بهره جسته است. یکی از مشهورترین این متون، اثری به نام صحیفة الرضا (ع) است.

۲، ص ۵۲۰، ۵۵۴، ۵۷۱؛ ج ۲، ص ۵۹۳-۵۹۸ (با افتادگی ابی)؛  
عیون اخبارالرضا ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۸.

۳. حدثنا ابوعلی احمدبن ابی جعفر البیهقی (زنده به سال  
۳۵۴ و سماع صدوق در قید از وی) قال حدثنا ابوعلی احمدبن  
علی بن جبرئیل الجرجانی البزاز قال حدثنا اسماعیل بن ابی  
عبدالله ابوعمرو القطان قال حدثنا احمدبن عبدالله بن عامر الطائی  
ببغداد علی باب صغراسکری عند جسر ابی الزنج قال حدثنی  
أبو احمد بن سلیمان الطائی عن علی بن موسی الرضا (ع) بالمدينة  
سنة ۱۹۴. موارد منقول: عیون اخبارالرضا ج ۲، ص ۸-۹.

۴. این طریق خود سه طریق است. «حدثنا ابوالحسن  
محمد بن علی بن الشاه الفقیه المروزی بمروروذ فی داره قال حدثنا  
ابوبکر بن محمد بن عبدالله النیسابوری قال حدثنا ابوالقاسم  
عبدالله بن احمد بن عامر بن سلیمان الطائی بالبصرة قال حدثنا ابی  
فی سنة ۲۶۰ قال حدثنی علی بن موسی الرضا سنة ۱۹۴ (عیون  
اخبارالرضا ج ۲، ص ۲۴-۲۵).

و حدثنا ابومنصور احمد بن ابراهیم بن بکر الخوری بنیسابور  
قال حدثنا ابواسحاق ابراهیم بن هارون بن محمد الخوری قال حدثنا  
جعفر بن محمد بن زیاد الفقیه الخوری بنیسابور قال حدثنا احمد بن  
عبدالله المرؤی الشیبانی عن الرضا علی بن موسی و حدثنی  
ابوعبدالله الحسین بن محمد الأشنانی الرازی العدل ببلخ قال  
حدثنا علی بن محمد بن مهرویه القزوینی عن داود بن سلیمان الغزاه  
عن علی بن موسی الرضا (ع) قال حدثنی ابی... (عیون  
اخبارالرضا ج ۲، ص ۲۵-۴۹).<sup>۱</sup>

#### ابوعبدالرحمان سلمی و روایت صحیفه الرضا

ابوعبدالرحمان محمد بن حسین سلمی در ۲۲۵ ق یا ۳۲۰ ق.  
در نیشابور به دنیا آمد و در همان شهر در سال ۴۱۲ ق. درگذشت.  
از میان آثار فراوان سلمی دو اثر تفسیری وی به نام‌های حقائق  
التفسیر و زیادات حقائق التفسیر شهرت فراوانی دارند.<sup>۲</sup> از  
حقائق التفسیر نسخه‌های فراوانی باقی مانده ولی از زیادات  
حقائق التفسیر تنها یک نسخه خطی باقی است که گرهارد  
باورنیک متن آن را تصحیح و چاپ کرده است. باورنیک در  
مقاله‌ای با عنوان «مصادر اصلی تفسیر زیادات حقائق التفسیر  
سلمی»، بحثی با عنوان مآخذ مطالب منقول از امام



#### شیخ صدوق و تخریج روایات صحیفه الرضا

شیخ صدوق در عیون اخبارالرضا و آثار دیگرش به چهار طریق  
زیر روایاتی از صحیفه الرضا را تخریج کرده است:<sup>۳</sup>  
۱. حدثنا ابومنصور احمد بن ابراهیم بن بکر الخوری [در متن  
به خطا الجوزی] قال حدثنا ابو محمد زید بن محمد البغدادی قال  
حدثنا ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر بن سلیمان الطائی  
بالبصرة قال حدثنا ابی قال علی بن موسی الرضا عن ابیه...  
موارد منقول: الخصال، ج ۱، ص ۱۸۸ (با افتادگی حدثنا ابی)،  
۲۰۸، ۳۱۴ (با افتادگی ابی)، ۳۱۵، ۳۲۴ و ۳۴۳ [الخوزی]؛ ج ۲، ص  
۳۴۳؛ عیون اخبارالرضا ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۲. حدثنا ابوالحسن محمد بن عمرو بن علی بن عبدالله  
البصری بایلاق قال حدثنی ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن  
احمد بن جیلة الواعفا (متوفی ۳۴۴ ق) قال حدثنی ابوالقاسم  
عبدالله بن احمد بن عامر الطائی قال حدثنا ابی قال حدثنا علی بن  
موسی الرضا. موارد منقول: الخصال، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۹، ۲۲۱-  
۲۲۲، ۲۶۲-۲۶۳ (با افتادگی ابی)، ۳۱۸-۳۱۹، ۳۲۲-۳۲۳؛ ج ۲، ص  
۳۴۴-۳۴۵، ۳۸۸-۳۸۹؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۹۳-۴۹۴، ۴۹۵؛ ج



اباطیل و افک متهم کرده است و در همانجا بر روایت احادیث شیعه توسط وی تأکید کرده است. دارقطنی سلسله اسناد را از احمد بن نصر الذارع تا ابوالمغیره صدقة بن موسی بن تمیم سلمی دقیق البصری (پدربزرگ مادری وی آورده است پدر البصری با سلسله سند خانوادگی شیعی از علی بن موسی الرضا (ع) تا جعفر الصادق و علی بن ابی طالب (متوفی ۴۰ ق / ۶۶۱ م) نقل روایت کرده است. ذهبی جزء مشهوری را به احمد بن نصر الذارع منسوب می‌داند و بر احتیاط در نقل از وی تنبیه داده چرا که طامات نقل می‌کرده است.

احمد بن نصر الذارع مطالب خود را از طریق ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر بن صالح طائی (متوفی ۳۲۴ ق / ۹۳۶ م) دریافت کرده است. عبدالله بن احمد بن عامر در تاریخ بغداد به صراحت فردی معرفی شده که روایات خود را از منبعی مکتوب (نسخه) از طریق پدرش روایت کرده است که او نیز راوی مجموعه روایاتی بوده که با سلسله اسنادی از طریق علی بن موسی الرضا به جعفر بن محمد صادق منتهی می‌شود. درحقیقت مؤلف تاریخ بغداد به صراحت می‌گوید که در سال ۲۶۵ ق / ۸۷۸-۸۷۹ م. عبدالله بن عامر از پدرش نقل حدیث کرده است که وی آنها را از علی بن موسی الرضا (ع) ۱۹۴ ق / ۸۰۹-۸۱۰ م. به سلسله اسناد خانوادگی که به علی بن ابی طالب منتهی می‌شود، سماع کرده است. ابومحمد حسن بن علی زهری بصری به نقل از حمزه بن یوسف و علی بن محمد بن نصر از عبدالله بن احمد بن عامر اظهار نارضایتی کرده و او را فردی بی‌سواد (امی) و راوی غیرثقه دانسته است. ابن جوزی صراحتاً عبدالله بن احمد بن عامر را مؤلف اثری جعلی (باطل) معرفی کرده و ذهبی این اثر را متنی جعلی دانسته (تلك نسخة الموضوعة الباطلة) که عبدالله بن احمد بن عامر یا پدرش مطالب نادرستی را به آن وارد کرده‌اند.

عبدالله بن عامر بن سلیمان طائی، پدر احمد بن عامر، در سرمن رای (سامرا) زندگی می‌کرده و در آنجا احادیث علی بن موسی الرضا را روایت کرده است. ذهبی افرادی را که به روایت از علی بن موسی الرضا مظنون بوده‌اند، نام برده و احمد بن عامر را همراه با ابوالصلت عبدالسلام بن صالح بن ایوب بن میسره هروی نیشابوری (متوفی ۲۳۶ ق / ۸۵۱ م) که یکی از روایان از وی ابن عطیه است و عبدالله بن عباس قزوینی را سه فردی معرفی

جعفر الصادق (ع) در این تفسیر دارد و در اشاره به تفسیر امام صادق (ع) چنین نوشته است:

«دومین فردی که سلمی به کرات در زیادات حقائق التفسیر از او نقل کرده، جعفر بن محمد الصادق، ششمین امام شیعیان است. زمانی که سلمی نام جعفر را بدون آستاد به کار می‌برد، از ایشان به جعفر بن محمد الصادق، الصادق یا جعفر (ع) یاد کرده که برای تمییز دقیق ایشان از جعفر بن محمد بن نصیر خلدی (متوفی ۳۴۸ ق / ۹۵۹ م) است که واسطه سلمی در برخی اسناد زیادات حقائق التفسیر است. سلمی حدوداً بیش از دو بیست عبارت تفسیری از طریق امام جعفر صادق علیه السلام (۲۱۱ نقل تفسیری در ۱۶۳ سطر) از مآخذ مختلف نقل کرده است. حدود نیمی از مطالب (۹۴ نقل قول) مشخصاً از طریق احمد بن نصر الذارع از عبدالله بن احمد بن عامر از پدرش از علی بن موسی الرضا (متوفی ۲۰۳ ق / ۸۱۸ م) از پدرش از جعفر بن محمد (ع) است. هویت همه این افراد را با قطعیت می‌توان تعیین کرد.

راوی مستقیم سلمی (در نقل این مطالب) ابوبکر احمد بن نصر بن عبدالله بن الفتح بغدادی الذارع (متوفی بعد از ۳۶۵ ق / ۹۷۵-۹۷۶ م) است که مقیم نهروان بوده و در همان جا با سلمی دیدار کرد. و سلمی از وی مطالبی درباره سه عبارت جنید شنیده است. تمام توضیحات به جعفر الصادق (ع) منسوب است و از طریق احمد بن نصر الذارع در زیادات حقائق التفسیر به شیوه اجازه از نصر نقل شده است. مؤلف کتاب تاریخ بغداد (خطیب بغدادی) افرادی را که از احمد بن نصر ذارع مطالبی نقل کرده‌اند نام می‌برد. اما عبدالله بن احمد بن عامر در میان آنها نیست. یکی از سه فردی که در تاریخ بغداد به عنوان راوی از احمد بن نصر الذارع یاد شده‌اند، ابوعلی الحسن بن الحسین بن العباس بن الفضل بن المغیره بن دوما النائی، مقیم بغداد بوده که بین ۳۴۶ ق / ۹۵۲ م. تا ۴۳۱ ق / ۱۰۴۰ م. حیات داشته و گویا در سال ۳۶۵ ق / ۹۷۵-۹۷۶ م. از احمد بن نصر ذارع حدیث شنیده است. ذهبی خاطر نشان کرده است تا آنجا که می‌داند تاریخ وفات احمد بن نصر ذارع ثبت نشده، اما وی را در وفیات سال ۳۶۵ ق / ۹۷۵-۹۷۶ م. یا بعد از آن یاد کرده است. مؤلف تاریخ بغداد احمد بن نصر ذارع را فردی ثقه نمی‌داند و ابوالحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی الدارقطنی (متوفی ۳۸۵ ق / ۹۹۵ م) احمد بن نصر را به اشاعة

طریق سلسله سندی خانوادگی شیعی که از طریق علی بن موسی الرضا (ع) به جعفرالصادق می‌رسد) دارای اشکال زمانی است، چرا که عبدالله بن احمد بن عامر در ۳۲۴ ق / ۹۳۶ م. در گذشته است و پدرش نمی‌توانسته علی الرضا (متوفی ۲۰۳ ق / ۸۱۸ م) را دیدار کرده باشد. با این همه عبدالله بن احمد بن عامر و پدرش تحریری از تعالیم شیعی منسوب به جعفرالصادق به روایت علی الرضا در اختیار داشته‌اند. از این تحریر که به وضوح به عنوان متنی مکتوب یاد شده، سلمی توضیحات قرآنی را به طریق احمد بن نصر برگزیده است. موضع خصمانه ذهبی نسبت به حدیث شیعه سبب شده است که این طریق روایت را ضعیف بخواند. با این حال، مطالب نقل شده مبنی بر این سلسله اسناد، از اعتبار خاص حدیث شیعه در تصوف سنی حکایت دارد. اسناد کم‌اعتبارتر روایت حدیث نیز در حقائق التفسیر آمده است. این اسناد مفصل یکی از طرق مهمی است که سلمی برای ورود حجم قابل توجهی از تعالیم منسوب به جعفرالصادق به سنت صوفیان خراسان در قرن چهارم / دهم به کار برده است. این ادعا که سلمی خود کسی است که در را برای ورود این احادیث خانوادگی شیعه به تصوف گشوده، پذیرفتنی است؛ اثباتاً با معرفی روات آن که همگی جایگاهی در سنت روایت احادیث شیعه تا زمان راوی مستقیم سلمی ابونصر بن عبدالله اصفهانی، داشتند و سلباً به دلیل نبود این تفسیرات شیعی در کتاب‌های مرجع کهن تر صوفیان که در حقائق التفسیر و زیادات حقائق التفسیر گرد آمده‌اند.<sup>۹</sup>

#### زیدیه و روایت صحیفه الرضا

مجدالدین بن محمد مؤیدی، فقیه زیدی معاصر، در کتاب بسیار مهم خود، لوامع الانوار، بحث کاملی درباره صحیفه الرضا دارد که سلسله روایت وی در نقل این کتاب چنین است: «أروپها سماعاً بقرائی لها علی والدی العلامة الولی محمد بن منصورالمؤیدی رضی الله عنهما فی... رمضان عام ۱۳۵۵ و هو یروپها بالأسانید السابقة الی الامام المجتبی المهدی لدین الله احمد بن یحیی (متوفی ۸۲۵) عن اُبیہ ابراهیم عن رضی الدین ابراهیم بن محمد (متوفی ۷۲۲) [و هو یروی] صحیفه علی بن موسی عن الامام نجم الدین التبریزی عن الحافظ ابن عساکر عن زاهد بن طاهر الشحامی عن الحافظ البیهقی الشافعی عن اُبی القاسم المفسر عن اُبی بکر بن جعدة قال اُباناً ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر الطائی» (ج ۱، ص ۴۷۶-۴۷۷).

طریق دیگر در روایت صحیفه الرضا، طریق یحیی بن اسماعیل

می‌کند که از علی بن موسی الرضا روایت نقل می‌کنند. گرچه ذهبی این افراد را روایانی ضعیف دانسته است.

ذهبی می‌گوید که علی بن موسی الرضا (ع) سه طریق روایت خانوادگی را روایت کرده که به جعفرالصادق نسبت داده شده است. یکی از این سه طریق روایت، مجلدی بزرگ (نسخه کبیره) است که در اختیار احمد بن عامر بن سلیمان طائی بوده است.

روایت دوم از طریق ابوالحسن علی بن مهدی بن صدقه رقی بوده که به روایت پسر وی، ابوعلی احمد بن علی بن مهدی بن صدقه بن هاشم بن غالب رقی نقل شده است. ذهبی نسخه تحت تملک احمد بن علی بن مهدی را متنی جعلی (نسخه مکذوبه) و حاوی خبر باطل وصف کرده است. سلمی با این تحریر آشنا بوده زیرا همین سلسله سند را در آداب الصحیحة نقل کرده و در آغاز حقائق التفسیر متن را با سلسله سند خانوادگی که به علی بن موسی ختم می‌شود، به طریق سلسله سند مهم علی بن مهدی و پسرش ابوعلی احمد بن مهدی بن صدقه بن هاشم بن غالب الرقی به محمد بن عبدالله بن المطلب شیبانی که راوی مستقیم اثر برای سلمی بوده، نقل کرده است. سلمی، شیبانی را در کوفه دیدار کرده است و در آنجا از وی حدیث را به نقل از ابوالفضل الیاس بن یوسف شکلی که وی از ابوالحسن سری بن مغلاس سقطی (متوفی ۲۵۱ ق / ۸۶۵ م) روایت کرده، سماع کرده است. راوی مستقیم برای سلمی، ابوالفضل محمد بن عبیدالله بن بهلول بن همام بن مطلب شیبانی کوفی (۲۹۷-۳۸۷ ق / ۹۱۰-۹۹۷ م) بوده که تشیع جنازه وی در بغداد به شورش همگانی در ۳۸۷ ق / ۹۹۷ م. انجامید و در تاریخ بغداد به او نسبت جعل حدیث شیعی داده شده است.

تحریر سوم در تملک ابواحمد داود بن سلیمان بن یوسف قاری جرجانی قزوینی بوده که در تاریخ محلی قزوین [التدوین] فرد مشهوری در روایت احادیث شیعی از طریق علی بن موسی الرضا معرفی شده که ایشان را در خانه خود، در قزوین، از چشم دشمنان پنهان کرده است. عالمان قزوینی، چون ابوالحسن علی بن محمد بن مهرویه قزوینی (متوفی ۳۳۵ ق / ۹۴۶-۹۴۷ م) در نپاوند، از این مجلد حدیثی (نسخه) که در تملک داود بن سلیمان بوده، نقل کرده است. نکته بارزش این است که تمامی منقولات از تحریری در تملک داود بن سلیمان بوده که به امام علی بن ابی طالب منتهی می‌شده است.

سلسله سند مهم سلمی سنی (از طریق راوی مستقیم وی احمد بن نصر الذارع به واسطه‌های عبدالله بن عامر و پدرش از

۴. برای گزارشی تفصیلی از شرح احوال سلمی ر. ک: Gerhard Bowering, "The Quran Commentary of AL-sulami", in: W. B. Hollaq and D. P. Little (eds.), Islamic Studies Presented to charls J. Adams, Leiden, 1991, pp. 41-56.

۵. این مطلب برگرفته از مقاله زیر است. درخور ذکر است که توضیحات آقای باورینگ را حذف کرده‌ام ترجمه کامل این مقاله، در فرصت دیگری خواهد آمد:

Gerhard Bowering, "The Major sources of Sulami's Minor Quran Commentary", in: Orients, Vol. 35. 1996, pp. 35-56.

۶. درباره این فقیه و عالم برجسته معاصر زیدی ر. ک: عبدالسلام بن عباس الوجیه، أعلام المؤلفین الزیدیه (عمان، ۱۴۲۰)، ص ۸۰۶-۸۰۸.

۷. در برخی از نسخه‌های خطی زیدیه این کتاب با عنوان «صحیفه امیرالمؤمنین علی علیه السلام بروایه علی بن موسی الرضا» نیز معرفی شده است. درباره نسخه‌های صحیفه الرضا در کتابخانه‌های خصوصی یمن ر. ک: عبدالسلام بن عباس الوجیه، مصادر التراث فی المکتبات الخاصة فی الیمن (صنعا، ۱۴۲۲)، ج ۱، ص ۱۲۷، ۲۱۵، ۲۵۴، ۲۸۸، ۳۸۲، ۴۱۱، ۴۳۸، ۵۴۲؛ ج ۲، ص ۹۲، ۱۵۰، ۲۹۱، ۴۸۹. نیز ر. ک: همو، اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۷۲۳.

۸. برای مثال شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق) در امالی خود پنج حدیث از این کتاب به روایت راوی قزوینی آن، داود بن سلیمان غازی، آورده است. راوی شیخ مفید، ابوحفص عمر بن محمد بن علی الصریفی مشهور به ابن زیات است (ر. ک: الامالی (قم، ۱۴۱۳)، ص ۹۹، ۱۱۱، ۱۲۴، ۳۰۹، ۳۱۶). شیخ طوسی نیز این روایات را به سند خود از شیخ مفید و اسناد دیگر نیز آورده است (ر. ک: الامالی (قم، ۱۴۱۴ ق)، ص ۴۹، ۵۶، ۷۸، ۸۴، ۱۲۵، ۱۵۷، ۱۶۴، ۳۴۴-۳۴۵، ۴۴۸، ۵۷۰). درباره شرح حال صیرفی ر. ک: ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۳۲۳-۳۲۴ و مصادر مذکور در شرح حال وی. عبدالکریم بن محمد رافعی در التذوین فی اخبار قزوین (چاپ عزیزالله عطاردی، بی جا، ۱۳۷۶) به کرات به این کتاب با نام‌های صحیفه اهل البیت (در ج ۲، ص ۳۱۷، ۴۴۳، ۴۹۴، ۵۲۰، ج ۳، ص ۵۱۱)؛ مسند الرضا (در ج ۲، ص ۲۱۲-۲۱۳، ج ۳، ص ۴۹۵) و صحیفه الرضا (در ج ۲، ص ۴۱-۴۲، ۶۸-۶۹، ۲۰۴، ۲۴۷، ۲۸۳-۲۸۴، ۴۱۴-۴۱۵، ۴۲۱، ۴۶۷ و در ج ۳، ص ۸۷، ۳۲۲-۳۲۳، ۳۳۷، ۴۰۸، ۴۸۵) یاد کرده است.

راوی زیدی نهج البلاغه در نیشابور است که صحیفه الرضا را از عمش حسین بن علی جوینی به سلسله سند متصل به مؤلف روایت کرده است (لوامع الانوار، ج ۱، ص ۴۸۱). از این رو شگفت نیست که امروز در کتابخانه‌های یمنی، نسخه‌هایی از این کتاب موجود باشد.<sup>۷</sup>

#### نکته پایانی

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا سلمی روایاتی صوفیانه را به نقل این سند کاملاً مشهور آورده است. مسلماً این روایات صوفیانه در محافل امامیه رواج نداشته و ظاهراً شهرت سلسله سند آن، موجب شده تا برای ترویج عقاید صوفیانه مورد استفاده قرار گیرد. در هر حال این روایات صوفیانه با این سند مشهور قبل از سلمی در محافل صوفیانه عراق تداول داشته و کاری که سلمی انجام داده، انتقال این روایات به محافل صوفیانه خراسان بوده است. با وجود آنکه عالمان امامی به طریق‌های دیگر روایت این کتاب آشنا بوده‌اند، ظاهراً هیچ‌گاه از تحریر صوفیانه این اثر که به دست سلمی تدوین نهایی یافته، بهره نبرده‌اند.<sup>۸</sup>

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. حسن انصاری قمی، «شیخ صدوق چه هنگام به بغداد رفته است؟»، کتاب ماه دین، شماره ۵۱-۵۲ (دی و بهمن ۱۳۸۰)؛ محمدکاظم رحمتی، «نکاتی درباره اهمیت آثار شیخ صدوق»، که در مجله علوم حدیث منتشر خواهد شد.
۲. روایت این کتاب در محافل خراسان متداول بوده است. به عنوان مثال بنگرید به روایات حاکم حسکانی از این کتاب در شواهد التنزیل (ج ۱، ص ۱۹۷).
۳. با کمک این مقایسه‌ها می‌توان افتادگی این اسناد را در آثار شیخ صدوق تصحیح کرد. برای مثال در عیون اخبار الرضا (ج ۲، ص ۱۳۴)، سلسله سند چنین است: «حدثنا ابوالحسین محمد بن علی بن الشاه الفقیه المروزی فی منزله بمروروز قال حدثنا [ابوبکر بن محمد بن عبدالله النیسابوری قال حدثنا] ابوالقاسم عبدالله بن عامر». عبارت داخل قلاب در متن چاپی از قلم افتاده است. همچنین نام عبدالله بن احمد بن عامر در روایتی از صحیفه الرضا در کتاب التوحید (ص ۲۴) به عبدالله بن احمد بن عباس تصحیف شده است. این اشکال در بحار الانوار (ج ۳، ص ۵) نیز راه یافته است.